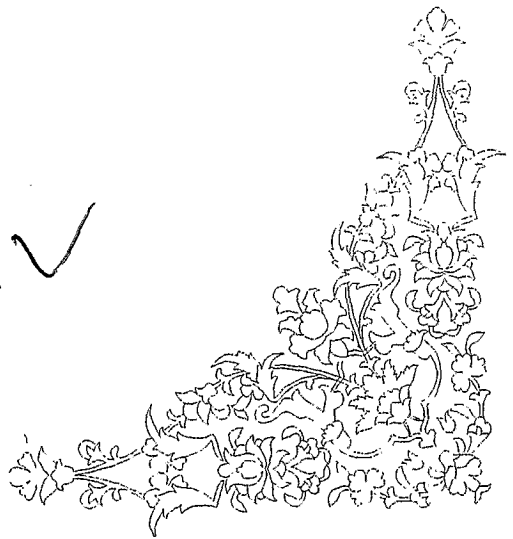


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٥٤٢



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه

جهت اخذ دانشنامه‌ی کارشناسی ارشد  
رشته‌ی علوم سیاسی

موضوع

تحدید حاکمیت در فقه سیاسی تشیع

استاد راهنما

دکتر مصطفی کواکبیان

استاد مشاور

دکتر ابوالقاسم طاهری

نگارش

بیژن کیانی

تابستان ۱۳۸۶

۹۵۴۴۷

وزارت اطلاعات تهران  
تیمبر

۱۳۸۷ / ۱۳ / ۱۳

## تقدیم به:

روح پرفتوح حضرت امام خمینی (ره) احیاءگر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله

سید آزادگان شهید ابوترابی و شهدای مظلوم آزاده در زندان‌های رژیم ضد بشری صدام.

پدر و مادرم که سالیانی سخت رنج دوری مرا بر جان خریدند و استقامت ورزیدند.

همسرم که پیوسته مشوق من در امر تحصیل بود و همه‌ی امکانات را برایم فراهم کرد.

و فرزندانم طاهره، مهدیه و ریحانه که امیدهای آینده‌ی این مرز و بوم هستند.

## تقدیر و شکر

اکنون که به لطف خداوند متعال نگارش این پژوهش به پایان رسیده است، بر خود واجب می‌دانم از زحمات بی‌دریغ اساتید گرانقدر آقایان دکتر کواکبیان و دکتر طاهری که راهنمایی و مشاوره‌ی این پژوهش را به عهده داشتند و آقایان حجت الاسلام و المسلمین دکتر میراحمدی و استاد علوی‌زاده که داوری آن را پذیرفتند و دوستان ارجمند آقایان دکتر غلامعلی قاسمی، سعید اسماعیلی و صادق بابایی که با لطف بی‌دریغ خود با در اختیار قرار دادن منابع مورد نیاز مرا در انجام هر چه بهتر این پژوهش یاری کردند و نیز از سرکار خانم مریم مردانی که کار تایپ آن را به عهده داشت صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم. از خداوند توفیق روزافزون این عزیزان را خواستارم و امیدوارم فرصت جبران زحماتشان را داشته باشم.

## فهرست مطالب

- فصل اول: کلیات ..... ۳
  - ۱. بیان مسئله ..... ۳
  - ۲. اهداف تحقیق ..... ۴
  - ۳. اهمیت تحقیق ..... ۴
  - ۴. سؤال تحقیق ..... ۴
  - ۵. فرضیه‌ی تحقیق ..... ۴
  - ۶. تعریف متغیرها - مفاهیم عملیاتی ..... ۵
  - ۷. روش تحقیق ..... ۶
  - ۸. موانع و مشکلات و محدودیت‌های تحقیق ..... ۶
  - ۹. سابقه‌ی تحقیق ..... ۶
  - ۱۰. سازماندهی تحقیق ..... ۸
- فصل دوم: مروری بر ادبیات سیاسی تحدید حاکمیت ..... ۱۰
  - مبحث اول: ادبیات سیاسی تحدید حاکمیت در غرب ..... ۱۰
    - ۱. افلاطون ..... ۱۰
    - ۲. ارسطو ..... ۱۳

۳. سیسرون ..... ۱۷
۴. آگوستین ..... ۱۹
۵. آکویناس ..... ۲۳
۶. ماکیاول ..... ۲۷
۷. توماس هابز ..... ۲۸
۸. جان لاک ..... ۳۰
۹. منتسکیو ..... ۳۷
۱۰. ژان ژاک رسو ..... ۴۰

مبحث دوم: اندیشه‌های سیاسی تحدید حاکمیت در میان اندیشمندان اهل سنت ..... ۴۴

۱. امام محمد غزالی ..... ۴۴
۲. شیخ محمد عبده ..... ۴۷
۳. ابوالاعلی مودودی ..... ۴۹
۴. عبدالرحمن کواکبی ..... ۵۱
۵. سید قطب ..... ۵۳

مبحث سوم: اندیشه‌های سیاسی در میان فقها و اندیشمندان شیعه ..... ۵۶

۱. محقق حلی ..... ۵۶
۲. شهید اول ..... ۵۸
۳. ملا احمد نراقی ..... ۶۰
۴. آیت الله سیدعبدالحسین لاری ..... ۶۴
۵. آیت الله نائینی ..... ۶۷
۶. دکتر مهدی حائری یزدی ..... ۷۱

۷۳	.....	۷. آیت الله سید محمد حسین فضل الله
۷۷	.....	۸. آیت الله طالقانی
۷۹	.....	۹. علامه طباطبائی
۸۳	.....	۱۰. آیت الله سید محمد باقر صدر
۸۶	.....	۱۱. امام خمینی (ره)
۹۳	.....	۱۲. آیت الله خامنه‌ای
۹۶	.....	جمع‌بندی و تحلیل مباحث فصل دوم
۱۱۰	.....	• فصل سوم: حکومت از دیدگاه اسلام
۱۱۰	.....	مبحث اول
۱۱۰	.....	الف) حاکمیت و ولایت خداوند
۱۱۱	.....	ب) حاکمیت تکوینی و تشریحی
۱۱۲	.....	ج) ولایت
۱۱۳	.....	ه) ولایت تکوینی و تشریحی
۱۱۴	.....	مبحث دوم: ولایت و حکومت پیامبر اسلام ﷺ
۱۱۵	.....	۱. مرجعیت و رهبری دینی
۱۱۵	.....	۲. ولایت قضایی
۱۱۵	.....	۳. ولایت و زعامت سیاسی
۱۱۶	.....	۴. ویژگی‌های حکومت پیامبر
۱۱۶	.....	الف) نهادینه ساختن اصل شور و مشورت
۱۱۷	.....	ب) مسئولیت‌پذیری آحاد مردم در قبال یکدیگر
۱۱۸	.....	ج) نهادینه ساختن اصل امر به معروف و نهی از منکر

۱۱۹	.....	مبحث سوم: ولایت و حکومت امامان <small>علیهم السلام</small>
۱۲۲	.....	۱. امامت استمرار نبوت
۱۲۴	.....	۲. آیات ولایت
۱۲۵	.....	۳. روایات ولایت
۱۲۷	.....	۴. شرایط و اوصاف امام

..... ۱۳۰ ..... مبحث چهارم: ولایت و حکومت امام علی علیه السلام

۱۳۹	.....	مبحث پنجم: ولایت و حکومت فقیهان
۱۳۹	.....	الف) تعریف فقه و فقیه
۱۴۰	.....	ب) دلایل عقلی و نقلی ولایت و حکومت فقیه
۱۴۳	.....	۱. نظریه ولایت مطلقه فقیه
۱۴۵	.....	۲. ولایت مقیده فقیه
۱۴۵	.....	۳. ولایت انتخابی فقیه
۱۴۶	.....	۴. نظریه تنفیذ و اذن فقیه
۱۴۷	.....	۵. نظریه نظارت و اشراف فقیه
۱۴۸	.....	۶. نظریه حکومت انتخابی اسلامی
۱۴۹	.....	۷. نظریه حکومت دموکراتیک دینی
۱۵۰	.....	۸. نظریه وکالت مالکین مشاع خصوصی
۱۵۲	.....	۹. نظریه ولایت الهی - مردمی فقیه
۱۵۴	.....	جمع بندی و تحلیل مباحث فصل سوم

..... ۱۵۸ ..... • فصل چهارم: عوامل تحدید حاکمیت در فقه سیاسی تشیع (عوامل بیرونی)

۱۵۸	.....	مبحث اول: امر به معروف و نهی از منکر
-----	-------	--------------------------------------



۱۸۲	.....	مبحث دوم: شورا و مشورت
۲۲۷	.....	مبحث سوم: نصیحت
۲۴۳	.....	مبحث چهارم: بیعت
۲۶۳	.....	مبحث پنجم: مشارکت
۲۷۱	.....	مبحث ششم: صفات ویژه‌ی حاکم (عوامل درونی تحدید حاکمیت)
۲۷۱	.....	۱. تقوا
۲۷۴	.....	۲. عدالت
۲۷۸	.....	۳. علم
۲۷۹	.....	۴. مدیریت (تدبیر)
۲۸۱	.....	۵. تواضع و فروتنی
۲۸۲	.....	۶. شجاعت
۲۸۲	.....	۷. بردباری
۲۸۳	.....	۸. صداقت، رعایت حق الله و حق الناس
۲۸۴	.....	جمع‌بندی و تحلیل مباحث فصل چهارم
		• فصل پنجم: ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران یک مدل عینی از فقه سیاسی تشیع
۲۹۷	.....	(مدل تلفیقی)
۲۹۷	.....	مقدمه
۲۹۸	.....	مبحث اول: بررسی نهادهای نظارتی در حکومت
۳۰۳	.....	مبحث دوم: نظارت رهبری بر اجزاء حکومت

۳۰۹	مبحث سوم: نظارت مردم بر اجزاء حکومت
۳۱۶	مبحث چهارم: نظارت اجزاء و ارکان حکومت بر یکدیگر
۳۲۴	جمع‌بندی و تحلیل مباحث فصل پنجم
۳۲۷	نتیجه‌گیری
۳۳۱	فهرست منابع و مآخذ پژوهش

## ❖ پیش‌گفتار

از زمانی که حکومت در زندگی اجتماعی پا به عرصه‌ی وجود گذاشت، یکی از دغدغه‌های اصلی انسان‌ها، کنترل و مقید ساختن آن به قیودی است تا از مسیر اصلی خود که تأمین نظم و امنیت جامعه است منحرف نشود. به رغم کوشش فراوان همه‌ی فرهیختگان و آزاداندیشان برای تحدید حاکمیت و قدرت حکمرانان، بشر در طول تاریخ شاهد انحراف حکومت‌ها و بروز و ظهور قدرت‌های خودکامه و جباری بوده است که جنایت‌ها و بی‌عدالتی‌های فراوانی را در صحنه‌ی اجتماع رقم زده‌اند و بسیاری از هم‌نوعان، قربانی امیال سیری‌ناپذیر قدرت طلبان و مستبدان گردیده‌اند. با توجه به سرشت قدرت و حکومت که به فساد تمایل دارد، ناگزیر باید بر آن حدی تعیین کرد و قیدی زد تا مهار گردد. حاکمیت خواه با ماهیت دینی و خواه غیرآن در معرض انحراف و خودکامگی است و در تاریخ، نمونه‌ای از حکومت‌ها با ماهیت به ظاهر دینی به منصفه‌ی ظهور رسیدند که بیش از حکومت‌های غیرمدعی دین فاجعه آفریدند که در تاریخ اسلام، سلسله‌های امویان و عباسیان نمونه‌های بارز این ادعا هستند. برخی کسان با استناد به این نمونه‌ها و نیز تجربه‌ی فاجعه‌بار حکومت کلیسا در ادواری از تاریخ مغرب زمین، حکومت دینی را نظارت‌ناپذیر و غیرقابل کنترل و تحدید می‌دانند، در حالی که حکومت در شریعت اسلام چنین نیست و آیات و روایات فراوانی وجود دارد که بر کنترل و مهار حکومت و زمامداران تأکید می‌ورزند. به علاوه، تجربه‌ی روشن حکومت پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام و اهتمامی که آن بزرگواران به پاسخگویی و نظارت‌پذیری حکومت

داشتند، چنین ادعایی را رد می‌کند. در اسلام، سازوکارهایی برای مهار و تحدید حکومت وجود دارد که به کارگیری و عمل به آن‌ها، ضامن سلامت حکومت و جامعه‌ی اسلامی است. اگر در غرب در چند قرن اخیر به اهمیت تحدید و مهار حاکمیت توجه شده است، در اسلام، قرن‌ها پیش از آن به این موضوع مهم پرداخته شده است. هر جا انحراف و خودکامگی زمامداران جامعه‌ی اسلامی مشاهده شد در اثر بی‌توجهی به احکام دین و عدم تقید و پای‌بندی به آن بوده است و گرنه اسلام، حکومت و قدرت مهار نشده را بر نمی‌تابد. برای اثبات این موضوع در پژوهش حاضر، کوشش شده است تا با مراجعه به منابع فقهی، و سیره‌ی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و بررسی نظرات علما و فقهای شیعه، موضوع تحدید حاکمیت و کنترل زمامداران را مورد کنکاش قرار دهیم و سازوکارهای نظام کنترلی در فقه سیاسی شیعه را یک به یک بررسی و ارزیابی کنیم. امید است این کوشش به نتیجه‌گیری لازم منتهی شده باشد.

## ❖ فصل اول: کلیات

### ۱. بیان مسئله

یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه‌ی حکومت، محدوده‌ی عمل حکمرانان و کنترل و نظارت بر اعمال آن‌ها می‌باشد. این مهم، بسته به نوع حکومت و سرشت آن و نیز ایدئولوژی آن، محدود و یا گسترده می‌باشد. فقه سیاسی تشیع به عنوان فقهی پویا با تکیه بر منابع اصیلی همچون آیات قرآن کریم، سنت پیامبر اسلام ﷺ و سیره‌ی ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام و احادیث و روایات معتبر، سازوکارهایی را برای کنترل و نظارت بر حکمرانان (تحدید حاکمیت) در نظر گرفته است. این سازوکارها و عوامل کنترلی شامل امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت پیشوایان مسلمین، بیعت مسلمانان با حاکم، اصل مؤکد شورا و لزوم مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی و نیز در نظر گرفتن شرایط ویژه برای انتخاب حاکم است. بر این اساس از دیدگاه فقه سیاسی تشیع، حیطة‌ی عمل حکمرانان در اسلام نه تنها گسترده نیست بلکه محدود و مقید است. در این تحقیق ضمن بررسی دقیق اهرم‌های کنترلی و محدودیت‌ساز در فقه سیاسی شیعه و چگونگی عملکرد آن‌ها نظریات موجود در باب تحدید حاکمیت (حکمرانان) را نیز مورد بررسی و مذاقه قرار خواهیم داد. البته ذکر این نکته ضروری است اگرچه در دوران کوتاه حکومت پیامبر اسلام ﷺ و امام علی علیه‌السلام به رغم معصوم بودن آن بزرگواران، نظارت و کنترل مسلمانان بر حکومت و پاسخگویی حکومت به مردم، امر جا افتاده‌ای بود ولی آنچه مد نظر محقق در این تحقیق است عمدتاً ناظر به دوران

حکومت غیرمعصوم است که در قالب نظریات مختلف ولایت و حکومت نمود داشته است.

## ۲. اهداف تحقیق

از جمله اهداف این تحقیق، بیان سازوکارهای کنترلی و نظارتی در فقه سیاسی تشیع و اثبات مقید بودن حکومت دینی براساس آموزه‌های فقه سیاسی مذهب تشیع و بیان لزوم بکارگیری این سازوکارها در عرصه‌ی تعامل میان مردم و حکومت اسلامی است.

## ۳. اهمیت تحقیق

برخی افراد حاکمیت دینی را براساس تجربه‌ی کلیسایی آن در مسیحیت قرون وسطی در غرب مساوی با دیکتاتوری و استبداد می‌دانند در حالی که حکومت براساس آموزه‌های اسلامی به کلی با آنچه که در دین مسیحیت وجود دارد متفاوت است و اگر طبق تعالیم دین اسلام عمل شود، حکومت ضمن دارا بودن ماهیت دینی، هرگز به استبداد و دیکتاتوری و خودکامگی سوق داده نمی‌شوند. اهمیت تحقیق پیش رو در این است که این ادعا را با تکیه بر آیات قرآنی و روایات معتبر از معصومین علیهم‌السلام و سنت و سیره‌ی آن بزرگواران و نیز دیدگاه‌های فقهی برجسته‌ترین فقهای شیعه به اثبات می‌رساند.

## ۴. سؤال تحقیق

آیا تحدید قدرت سیاسی و حاکمیت در فقه سیاسی تشیع وجود دارد؟

## ۵. فرضیه‌ی تحقیق

در فقه سیاسی تشیع بر مبنای مدل تلفیقی نظریات تحدید حاکمیت (از جمله نظریه‌ی ارزشی، نظریه‌ی نهادی و ساختاری، و نظریه حقوقی و قانونی) و با عنایت به وجود شاخص‌هایی همچون کنترل صفات ویژه برای زمامداران (نظریه‌ی ارزشی) و ضرورت وجود شورا، نصیحت حاکمان و نظارت جمعی (نظریه‌ی ساختاری و نهادی) و ضرورت مشارکت عمومی در تعیین سرنوشت خویش (نظریه‌ی قانونی و حقوقی) حاکمیت و قدرت سیاسی تحدید خواهد شد.

## ۶. تعریف متغیرها - مفاهیم عملیاتی

۱-۶. تشیع: مذهب دوازده امامی که معتقد است حکومت اسلامی پس از پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام و یازده نفر از فرزندان و نوادگان او می‌رسد و در دوره‌ی غیبت آخرین امام شیعیان، فقهای جامع‌الشرایط عهده‌دار امر ولایت و حکومت اسلامی هستند.

۲-۶. فقه سیاسی: مجموعه‌ای از احکام دینی در اسلام که پیرامون سیاست، حکومت و اجتماع بحث می‌کنند.

۳-۶. صفات ویژه: منظور صفاتی اختصاصی است که حاکم اسلامی باید این صفات را داشته باشد تا شایستگی زمامداری جامعه‌ی مسلمین را پیدا کند. این صفات عبارتند از: تقوا، علم، عدالت، مدیریت، تواضع و فروتنی، شجاعت و رعایت حق الله و حق الناس.

۴-۶. امر به معروف: دعوت به انجام هر کار خوبی که از طرف شارع به نیکی وصف شده باشد.

۵-۶. نهی از منکر: بازداشتن از ارتکاب هر کار ناپسندی که از طرف شارع به زشتی وصف شده

باشد.

۶-۶. نصیحت: خیرخواهی و دلسوزی مردم نسبت به زمامداران برای اداره‌ی بهتر امور جامعه‌ی اسلامی.

۷-۶. شورا: مجمعی از آحاد مردم یا نمایندگان آنان برای مشورت جمعی در امور جامعه.

۸-۶. مشارکت: شرکت آحاد مردم در انجام امور مربوطه به خود به ویژه در امور سیاسی و

اجتماعی و تعیین زمامداران جامعه.

۹-۶. نظریه‌ی ارزشی: نظریه‌ای که براساس آن، حاکم باید واجد صفات ویژه‌ای برای تصدی حکومت باشد.

۱۰-۶. نظریه‌ی حقوقی - قانونی: اعتقاد به حاکمیت قانون و حقوق ملت در برابر حکومت

۱۱-۶. نظریه‌ی ساختاری - نهادی: ایجاد نهادها و سیستم حکومت و چگونگی شکل‌گیری

ساختارها و روابط آنها با یکدیگر

۱۲-۶. حاکمیت: منظور از حاکمیت در این تحقیق حکومت است.

۱۳-۶. تحدید: به معنی محدود کردن و ایجاد قید برای حکومت و زمامداران است.

## ۷. روش تحقیق

در این تحقیق برای جمع‌آوری مطالب به روش کتابخانه‌ای عمل شده است.

## ۸. موانع و مشکلات و محدودیت‌های تحقیق

حساسیت موضوع و لزوم دقت فوق‌العاده در استخراج مطالب از میان حجم انبوهی از نوشته‌ها،

از محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق بوده است.

## ۹. سابقه‌ی تحقیق

یکی از پژوهش‌های صورت گرفته که از لحاظ محتوایی تا حدودی به موضوع پژوهش حاضر نزدیک است. کتاب توزیع قدرت در اندیشه‌ی سیاسی شیعه نوشته دکتر سیدصادق حقیقت می‌باشد در این کتاب نویسنده‌ی محترم در فصل اول در خصوص ارتباط فلسفه‌ی سیاسی و فقه سیاسی، فلسفه‌ی سیاسی و فلسفه‌ی سیاسی شیعه و نیز جایگاه فلسفه‌ی سیاسی در میان علوم بشری و اعتبار آن بحث می‌کند و نیز به موضوعاتی مثل ارتباط عقل و نقل از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، فلسفه‌ی سیاسی و وحی، تقدم فلسفه‌ی سیاسی بر فقه سیاسی، یقینیات و کشف حسن و قبح افعال می‌پردازد. نویسنده در فصل دوم به موضوعاتی از قبیل مفهوم قدرت، تحلیل مفهوم قدرت، ویژگیهای قدرت، نسبیت و اندازه‌گیری قدرت، ملازمه‌ی قدرت با فساد، فساد قدرت و زوال دولت‌ها و قدرت‌ها و مفهوم و جایگاه بحث توزیع قدرت، قانون‌گرایی، اصل انتخاب زمامداران، رأی‌گیری، استقلال قوا، آزادی و جامعه‌ی مدنی می‌پردازد. در فصل سوم و چهارم کتاب به مباحثی همانند توزیع قدرت و نظریه‌های حاکمیت در فقه سیاسی شیعه، چیستی فلسفه‌ی سیاسی اسلامی و مفاهیمی همچون، امام، رئیس، جماعت، جمهور، اطاعت، تکلیف، سعادت، خیر، فضیلت، مدینه، عقل، عدالت، قانون، آزادی، ولایت، بیعت، شورا، مصلحت، امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد و



در پایان نتیجه‌گیری می‌کند: "... پذیرش نظری توزیع قدرت در جهان مدرن با تصور سنتی و هرمی از قدرت متفاوت است. توزیع قدرت، نظریه‌ها و ساختارهای اقتدارگرایانه را برنمی‌تابد و نمی‌توان آن را به راحتی به نظریه‌ای با روش‌های اجباری و تحکمی، و یا با اصلاحات صوری پیوند زد ... قرائت اقتدارگرایانه‌ی فلسفی و قرائت اقتدارگرایانه‌ی فقهی ... شاخص‌های هشت‌گانه‌ی توزیع قدرت را برنمی‌تابد، اما نصوص دینی و فقهی آن گونه که در نظریه‌های الهی - مردمی ملاحظه شد و همچنین فلسفه‌ی سیاسی معاصر شیعه (نظریه وکالت) توانایی بر تافتن آن شاخص‌ها را دارد ... اسلام هم بر کنترل‌های درونی و هم بر کنترل‌های برونی قدرت، تأکید دارد.

پژوهش دوم با عنوان نظارت بر قدرت در اسلام نوشته‌ی آقای توحید محرمی است که ضمن تطویل بحث به موضوعاتی از قبیل نظارت درونی و نظارت بیرونی و ادله‌های موجود در خصوص این موضوع‌ها می‌پردازد و این مقوله را بیشتر در چارچوب نظریه‌های حکومت در میان اندیشمندان شیعه بررسی و ارزیابی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که اندیشه‌ی سیاسی شیعه موارد نظارت بر قدرت سیاسی را در دو بخش نظارت‌های سنتی و نظارت‌های نهادینه شده مثل نظارت نمایندگان مردم (خبرگان)، توصیف زمامداری، توجه به حقوق مردم و افکار عمومی (نظارت رسانه‌های جمعی) نظارت رقبای سیاسی دربرمی‌گیرد و علما<sup>۵</sup> شیعه در هر بخش آن به بحث و ارائه‌ی نظر پرداخته‌اند. اشکالی که در هر دو عنوان پژوهشی وجود دارد این است که به مباحثی همچون، امر به معروف و نهی از منکر، شورا، بیعت و نصیحت به صورت مشروح و مبسوط پرداخته نشده و خیلی اجمالی به این مباحث کلیدی و مبنایی در فقه سیاسی تشیع اشاره شده است. به خصوص در اثر مربوط به آقای محرمی گاهی از این مفاهیم محوری در فقه شیعه با عنوان نظارت‌های سنتی یاد شده در حالی که مباحث نظارت نهادینه شده هر کدام در ذیل یکی از این مفاهیم اساسی است و جا داشت که بیشتر تمرکز بحث نظارت، بر آنها باشد.

پژوهش‌های پراکنده‌ی دیگری به صورت موضوعی در باب تحدید قدرت سیاسی، و نیز مفاهیمی چون امر به معروف و نهی از منکر، بیعت، شورا، نصیحت در قالب مقاله صورت گرفته است که هر

کدام به بعدی از ابعاد موضوع پژوهش حاضر پرداخته‌اند.

در پژوهش پیش رو تلاش شده است ضمن ارائه مباحث مقدماتی مرتبط با موضوع، بیشترین تمرکز و استنادها بر مفاهیم محوری تحدید حاکمیت در فقه سیاسی تشیع باشد و تا آنجا که مقدور و لازم بود به مستندات فقهی و آرای و نظریات فقها و اندیشمندان شیعه پرداخته شده و نهایت کوشش به عمل آمد تا این پژوهش کاستی پژوهش‌های قبلی را برطرف سازد. البته هیچ اثری بی‌عیب و نقص نیست و این اثر نیز بدون شک قابل نقد است. امید است حاصل تلاش محقق، راهگشای پژوهش‌های جامع‌تر و عمیق‌تر پژوهشگران پرتوان این مرز و بوم در این زمینه باشد. ان‌شاء...

#### ۱۰. سازماندهی تحقیق

این پژوهش دارای یک مقدمه و پنج فصل و نتیجه‌گیری است. فصل اول شامل کلیات تحقیق، فصل دوم شامل ادبیات سیاسی تحدید حاکمیت است که در مبحث اول آن، به نظرات ده تن از اندیشمندان غربی پرداخته شده است و در مباحث دوم و سوم این فصل، آرای و اندیشه‌های پنج تن از علمای اهل سنت و دوازده تن از فقها و اندیشمندان شیعه در خصوص موضوع مورد بحث آورده شده است.

در فصل سوم، حکومت و ولایت از نظر اسلام مورد بررسی قرار گرفته و از حکومت پیامبر شروع شده و پس از حکومت و ولایت ائمه‌ی معصوم به حکومت و ولایت فقیه جامع‌الشرایط ختم می‌گردد. در این فصل نظریات نه‌گانه‌ی موجود در باب ولایت و حکومت در اندیشه‌ی سیاسی تشیع مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل چهارم، به بررسی مکانیزم‌ها و اهرم‌های کنترلی و مفاهیم محوری تحدید حاکمیت در فقه سیاسی تشیع اختصاص یافته و به ترتیب به موضوعاتی همچون، امر به معروف و نهی از منکر، شورا، نصیحت، بیعت، مشارکت و صفات ویژه‌ی حاکم اسلامی از قبیل: تقوا، علم، عدالت و بردباری پرداخته است.

در فصل پنجم حکومت جمهوری اسلامی به عنوان یک مدل تلفیقی از جهت نظارت و تحدید قدرت مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است و در پایان نیز به نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

ذکر این نکته ضروری است که تحقیق پیش‌رو در چارچوب نظریه‌های ارزشی، ساختاری - نهادی و قانونی - حقوقی صورت گرفته است که به دلیل طولانی بودن مباحث و با هماهنگی استاد محترم راهنما از اختصاص یک فصل جداگانه به چارچوب نظری پرهیز شده است.

## ❖ فصل دوم: مروری بر اندیشه‌های سیاسی تحدید حاکمیت

مبحث اول: اندیشه‌های سیاسی تحدید حاکمیت در غرب

### ۱ - افلاطون

یکی از قدیمی‌ترین اندیشمندان سیاسی که بحث‌های مفصلی در باب حکومت و حاکمان مطرح کرده است افلاطون می‌باشد. او در معرفی حکومت آرمانی خود پس از تشریح شرایط و ویژگی‌های حاکم (پادشاه) به این نتیجه رسید که تنها فیلسوفان هستند که به دلیل دانش خود و شناخت جهان، انسان، جامعه و راه‌های به کمال رساندن انسان، شایستگی زمامداری جامعه را دارا هستند، از این رو حکومت باید به دست آنان اداره شود.

افلاطون در بیان شرایط حکومت آرمانی خود در بحث نظارت بر اعمال حاکم یا حاکمان معتقد است که فیلسوف برتر از قانون است و به بیان واضح‌تر محدوده‌ی عمل فیلسوف حاکم، وسیع و غیرقابل تحدید است.

تنها حکومت صحیح، حکومتی است که در آن، حکام و فرمانروایان کشور حقیقتاً از دانش زمامداری آگاه و به رموز و دقایق آن مسلط باشند. در فن حکمرانی دانا باشند نه دانانما. چنین کسانی اعم از اینکه بر وفق قانون یا برخلاف قانون حکومت کنند، اعم از اینکه حکومتشان بی‌رضایت یا با رضایت شهروندان (اتباع کشور) باشد، اعم از اینکه خودشان توانگر یا تهیدست باشند، هیچ کدام از این امور را نمی‌توان بحق جزء مفهوم حاکم دانست. موقعی که خیر و مصلحت عام در نظر